

از میان نامه‌ها

فرآوری محصولات کشاورزی در ایران

فریاد بی صدا

به عقیده اکثر کارشناسان و صاحب‌نظران تا مادامی که محصولات کشاورزی نتوانند به چرخه تبدیلی وارد شوند، نمی‌توانند بازارهای هدف مناسب را پیدا کنند. به عبارت بهتر محصولی می‌تواند حرف‌های اساسی برای گفتن داشته باشد که در فرآیند تبدیل، بهترین «شرایط اعمال» برای آن لحاظ شود. امروزه به علت افزایش هزینه‌های نگهداری و افت کیفیت تولیدات گوناگون بخش کشاورزی که موجب از دست دادن بازارهای مناسب می‌شود، حرکت به سمت فرآوری محصولات کشاورزی چند برابر شده است.

متأسفانه هر ساله رقم قابل توجهی از تولیدات کشاورزی در کشور ما به علت سودجویی دلالتان، نبود سیستم جامع خرید محصول و در نتیجه نبود بازار مناسب مصرف و از همه بدتر فقدان کارخانه‌جات تبدیلی متناسب، یا در مزارع از بین می‌رود و یا اینکه در انبارها دچار افت شدید کیفی شده که نهایتاً سر از انبار خوراک دام در می‌آورد. درجهان امروز که رقابت بر سر فرآوری و بازاریابی بین‌المللی فوق‌العاده زیاد است، چنین مسایلی جز وارد کردن ضربات مهلک و جبران‌ناپذیر بر بدنه اقتصاد غیرنفتی، چیز دیگری را به همراه ندارد.

بر اساس آمار و ارقام در طی این چند سال گذشته فرآوری محصولات صنعت کشاورزی بالغ بر ۳۳ میلیون تن بوده است. اما به راستی این افزایش تا چه اندازه می‌تواند پاسخ‌گوی تقاضای داخلی و تامین‌کننده نیاز اقتصاد غیرنفتی کشور باشد؟ در استان‌های مهمی مانند کرمانشاه، لرستان، ایلام، زنجان و حتی اردبیل که از لحاظ توانمندی‌های کشاورزی و نیروی انسانی ظرفیت‌های خوبی دارند، رشد کارخانجات این چنینی می‌تواند در زمینه‌های گوناگونی مثل رشد اشتغال، کاهش تورم و امیدواری کشاورزان را شامل شود.

به عنوان نمونه در منطقه‌ای از استان لرستان (اطراف شهرستان بروجرد) که جلگه سیلاخور نام دارد، با وجود بافت خاکی بسیار متنوع و مرغوب که به جرات می‌توان گفت بهترین محصول خیار کشور را می‌توان در آن جا به تولید انبوه رساند، به علت عدم وجود کارخانجات تبدیلی که می‌تواند نقش بسیار مهمی را در تولید محصولات فرآوری‌شده‌ای مانند خیارشور، ترشی خیار و حتی کرم‌های پوستی داشته باشد، همه و همه به دست دلالتان با قیمت غیرعادلانه‌ای خریداری می‌شود و یا اینکه در انبارها و مزارع نابود می‌شوند. به عنوان نمونه دیگر در اواخر فصل برداشت ذرت فقط از یک مزرعه نسبتاً کوچک رقمی در حدود سیزده تن ذرت درجه یک به علت نبود کارخانجات تبدیلی و مقاومت صاحبان مزرعه در برابر دلالتان در بدترین شرایط موجود زیر آفتاب پوسید و با کاهش قابل توجهی از مواد مغذی تبدیل به خوراک مرغدارها شد. ولی تنها از فرآوری ذرت می‌توان روغن مرغوب، کنسرو، کنجاله و... را به دست آورد.

حتی اگر بستر مناسب برای افراد علاقه‌مند به احداث کارخانجات تبدیلی فراهم شود و از بابت اهدای وام‌های عاقلانه و منطقی اقدامات اساسی انجام شود، به طور حتم شرایط به نحو بسیار مناسبی برای صنعت کشاورزی کشور ما تغییر می‌کند و کشاورزان با انگیزه وارد کارزار تولید می‌شوند.

علیرضا محتشم
کارشناس کشاورزی از لرستان

از دست‌ها، افت سطح آب زیرزمینی و کمبود جریان‌های سطحی و افت بیلان آب، کمبود امکانات حمل و نقل پایانه‌های صادرات محصول کشاورزی و عدم برخورداری از یارانه‌های صادراتی، سنتی بودن نظام توزیع و عرضه محصولات کشاورزی، وجود دلالت‌ها و واسطه‌ها و مشکلات تنظیم بازار، تولید ناکافی و عدم تامین به موقع نهاده‌های کشاورزی، سرمایه‌گذاری بالا و کارمزد زیاد و کوتاه بودن زمان بازپرداخت تسهیلات سرمایه‌ای، پایین بودن، ضریب مکانیزاسیون و در نتیجه افزایش قیمت تولید محصولات، عدم وجود تضمین هزینه محصولات باغی و پایین بودن نرخ تضمین خرید بعضی از محصولات، رعایت نشدن تناوب زراعی و فشار بیش از حد برای تولید گندم جهت رسیدن به خودکفایی، عدم افزایش قیمت تضمینی گندم و چغندر قند و سایر محصولات استراتژیک و کاهش قدرت خرید کشاورزان، برابری نرخ کارمزد بخش کشاورزی با سایر بخش‌ها، حذف یارانه‌های سم، کود، بذر و خرید تراکتور و کمباین، کمبود اعتبار، ناامنی در مالکیت زمین، ارتباط ضعیف با مشاغل دیگر کشاورزی، عدم سرمایه‌گذاری بخش خصوصی به دلیل نرخ تورم و ارزش افزوده، عدم بازاریابی اصولی، فقدان آموزش و دانش فنی و مهارت‌های مدیریتی به دلیل عدم توسعه (IT)، کندی سرعت اینترنت و انحصاری بودن پهنای باند توسط مخابرات، کمبود مشارکت‌های زودبازده میان بخش‌های دولتی و خصوصی، ناپایدار بودن شرایط سیاسی، اجتماعی، وزارتی و فقدان سرمایه‌گذاری مشترک خارجی در ایران، عدم زیرساخت‌های لازم مانند: جاده، برق، گاز و ارتباطات و عدم برقراری تخفیف جهت سرمایه‌گذاران بخش کشاورزی، عدم شایسته‌سالاری در پست‌های کارشناس فنی در بخش کشاورزی و متمرکز بودن سلسله مراتب مدیریتی در استان‌ها، عدم دسترسی به اطلاعات فرآوری‌شده، عدم تعادل سیاست‌ها برای افزایش سهم بنگاه‌های کوچک در تولید ناخالص ملی، عدم توسعه منابع مالی داخلی و بخش تعاون به دلیل افزایش مطالبات بانک‌ها، پیچیدگی چارچوب مقررات سرمایه‌گذاری در بخش تولیدات کشاورزی

- عدم پرداخت تسهیلات ارزی به بخش خصوصی، عدم شکل‌گیری خوشه‌های صنعتی

- کمبود کشتارگاه، سردخانه و کارخانجات صنایع تبدیلی و خشکبار
- عدم فرهنگ‌سازی و قیمت‌گذاری داخلی بر مبنای ارگانیک بودن محصولات تولیدی

- استفاده بی‌رویه از سموم شیمیایی و عدم تولید محصولات ارگانیک
- عدم قدرت خرید اتحادیه‌ها و تعاونی‌ها جهت محصولات تولیدی با نرخ تضمینی

- عدم وجود سیلو، انبار و سردخانه مطابق با اصول فنی به میزان مورد نیاز
- عدم وجود جایگاه مناسب نظام پیشنهادات در کشور و انگیزه کافی جهت متفکرین و مبتکرین

بسیاری از موانع یاد شده بالا به علت غیرمتمرکز بودن ارگان‌ها و نهادهای متولی بخش کشاورزی در یک سازمان مادر و سیاست‌گذاری واحد و عدم حمایت پایدار از بنگاه‌های کوچک و متوسط در کشور می‌باشد. دستیابی به چنین مهمی نیازمند تاسیس یک سازمان حمایت‌کننده مادر تخصصی خواهد بود که پیشنهادات آن در صفحه ۲۹، شماره خردادماه همین مجله، به طور مبسوط به آن اشاره گردیده است. به امید آن روز.

